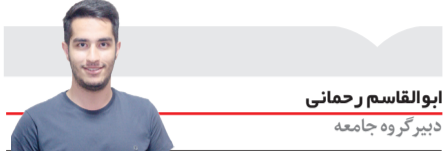


سازمان محیط‌زیست همچنان تماشچی است

آتش سوزی توسکستان مثل آلودگی هوای تهران همه منتظر باران



ابوالقاسم رحمانی

دبیر گروه جامعه

برای همه دنیا شاید پرتکرارترین خبری که در چندماه اخیر شنیده‌اند و حساسی اذیتشان کرده، ماجرای کرونا بوده و تعداد ابتلا و مرگ‌ومیر ناشی از این ویروس کشنده. همه

دنیا یعنی ما هم شامل این همه دنیا می‌شویم و اتفاقا روز به روز در ایران به مرحله هولناک تری از شیوع این ویروس می‌رسیم. منتها در کنار این خیر و اخبار این چندوقت اخیر دربارۀ اینکه ترامپ برنده انتخابات آمریکا می‌شود یا یادین، یکی از پرتکرارترین اخبار در کشور ما مربوط به مسائل محیط زیستی و در راس آن هم آتش‌سوزی جنگل‌ها و مراتع بود؛ ماجرابی که قصد پایان یافتن هم

ندارد و انگار از ترسالی اگر آتش‌سوزی‌ها نماند و استفاده‌ای از آن نکردیم، آتشنش حساسی به جان منابع طبیعی ما افتاده و دست‌بردار هم نیست. حقیقتا ماجرای دردناکی است، خصوصا وقتی می‌دانیم در منطقه‌ای گرم و خشک قرار داریم و اصلا نام ایران در بین کشورهای آلودگی‌ناک گیاهی چشمگیر نیست و اتفاقا حساسی هم در این مورد فقیریم، اما چه کنیم که سال‌به‌سال به پهنه‌های سوخته

و جنگل‌های آتش‌گرفته‌مان اضافه می‌شود و کسی هم از مسئولان و هم از مردم ککش نمی‌گردد که چه بلایی بر سر کشور می‌آید. الان هم البته چشم‌آب نمی‌خورد جماعتی که یک چشم‌شان به نتیجه انتخابات آمریکا و تثبیت رنگ آبی است و چشم دیگرشان هم به تابلوهای قیمت دلار چهارراه استانبول است، اتفاق خاصی را رقم نزنند و در اصلاح این رویه گام بردارند. نه، فقط چون دل‌مان

می‌سوزد، چون در مسیر حفظ منابع طبیعی شهید دادیم و مردم با دست‌خالی برای حفظ این منابع و میراث ملی تلاش کردند و جان دادند و چون اندک آب و هوایی هم که هست، صدقه‌سر همین اندک پوشش گیاهی باقیمانده است. اگر نه مسئولان که بارها گفتند و نشان دادند اولویتی برای حفظ محیط زیست قائل نیستند، جز اینکه نفعی را به زادگاه یا حوزه انتخابیه‌شان برساند، والسلام!

از چی حرف می‌زنیم؟

سوی مسئولان مربوط به آتش‌سوزی جنگل‌ها منتشر می‌شود؛ آمارهایی که همین تناقض‌شان نشان‌دهنده عدم‌وجود امکانات کافی و اشراف لازم بر منابع طبیعی کشور از سوی نهادها و سازمان‌های متولی است. با این همه به گوشه‌ای از آمارهای منتشرشده که البته بخشی از آن مربوط به ماه‌های نخست سال است، اشاره می‌کنم. تیرماه سال جاری بود که سازمان فضایی ایران بعد از وقوع آتش‌سوزی‌های سریالی در بهار و تابستان ۹۹ گزارشی با پیوست تصاویر ماهواره‌ای بسیار منتشر کرد که براساس اطلاعات موجود در آن فقط در یک ماه چیزی حدود ۴۱ هزار هکتار از جنگل‌های کشور در آتش خاکستر شدند! اطلاعاتی که خیلی زود سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری

بگذارید این بار طور دیگری از مساله بنویسم. به‌نظم لازم است تفکیکی قائل بشویم بین چیزی که ما از آن حرف می‌زنیم و به آن اعتقاد داریم یا واکنشی که مسئولان به گفته‌ها و مطالبات ما دارند و درنهایت هم البته نظرات کارشناسان را با هم مرور می‌کنیم. همان‌طور که بالاتر گفتم، حدود یک سالی است بیش از هر خبر دیگری، در کنار ماجرای کرونا و اخبار مربوط به آن، ما از آتش‌سوزی جنگل‌ها و مراتع در کشور می‌شنویم و می‌خوانیم؛ اتفاقی که هیچ‌جوره و براساس هیچ متر و معیاری مطلوب وضعیت کشور ما نیست و نباید اتفاق بیفتد. اولین چالشی که در این رابطه داریم و انجام هرگونه بحث و نتیجه‌گیری را دچار خدشه می‌کند، آمارهای پرت و متناقضی است که از

واکنش مسئولان چیه؟

کلانتری، رئیس سازمان حفاظت از محیط‌زیست در رابطه با اطفای حریق جنگل‌ها معتقد است: «در قدیم یکی از روش‌های اصلاح جنگل آتش‌سوزی بوده است. ما خیلی نباید بیش از حد به اصطلاح به هر چیزی مشکوک باشیم. تجهیزات داریم، البته تقریبا هیچ‌جای دنیا هم نیست. اگر بخواهیم کشور را بسنجیم کنیم تا با هر آتش‌سوزی مقابله کنیم، باید حداقل سالانه یک میلیارد دلار برای آتش‌نشانی هزینه کنیم. در آتش‌سوزی‌هایی که در

از چه می‌گوییم را گفتم، نوبت به واکنش مسئولان به گفته‌های ما رسید! اینجا هم می‌توان خیلی چیزها از خیلی‌ها گفت و نوشت، اما به‌جای خیلی‌هایی که خیلی چیزها می‌گویند، فقط به مرور سخنان رئیس سازمان حفاظت از محیط‌زیست که متولی حراست از منابع طبیعی کشور است، بسنده کنیم؛ سخنانی که به‌خوبی مثنی دولت و متولیان حوزه منابع طبیعی و همچنین نوع نگاه آنها به این میراث گرانبها را نشان می‌دهد. عیسی

طبیعت اتفاق می‌افتد، دسترسی مهم‌ترین چیز است. معتقدم سرمایه‌گذاری در این زمینه توجیه اقتصادی ندارد. البته ما باید ۴ تا ۶ پایگاه هوایی آتش‌نشانی داشته باشیم، اما داریم و البته بیش از این نباید باشد. سال گذشته در آتش‌سوزی‌های هورالعظیم چهار بالگرد داشتیم، در حالی که یک بالگرد روزی چهار سرویس بیشتر نمی‌توانست آب برای خاموش کردن آتش ببرد. هر سرویس هم فقط می‌تواند سه تن آب ببرد که در کل ۱۲ تن آب یعنی به اندازه یک تانکر می‌شود. این اقدامات بیشتر عادی است و اثرات معنی‌داری ندارد. در حدود چهار تا پنج سال

پیش‌در کشور پرتغال جنگل‌ها آتش گرفت؛ تمام اروپا بسجید، بیش از ۳۵ هویای آتش‌نشانی برای اطفای این جنگل‌ها رفتند، اما تا زمانی که جنگل به‌طور کامل نسوخت، آتش هم خاموش نشد. واقعا بخشی از این اقدامات نمایش است و اثرات جدی ندارد. این اقدامات شاید تنها از نظر روانی برای مردم خوب باشد، وگرنه هیچ اثر معنی‌داری در مقابل هزینه‌های واردشده ندارد. نباید توهم توپلته در همه موضوعات داشته باشیم، بخش بزرگی از این آتش‌سوزی‌ها یعنی در حدود ۸۰ تا ۹۰ درصد آن عادی است. خیلی بیش از حد بدبین شده‌ایم، متأسفانه در

جامعه مسائل فنی، علمی و حتی اجتماعی نیز سیاسی شده است. «بله، نگاه رئیس سازمان حفاظت از محیط‌زیست کشور اینچنین است. کاری با درست یا غلط بودن این ادعاها ندارم، مساله‌ام بیش از هر چیزی مسئولیت و جایگاه گوینده این سخنان است که به‌جای دلسوزی برای طبیعت و تلاش برای حفظ آن دم از توجیه اقتصادی می‌زند و به راحتی سهل‌نگاری‌ها و عقب‌افتادگی‌ها را به گردن نبود توجیه اقتصادی می‌اندازد. الباقی متولیان هم همینند، تغییر شگرفی وجود ندارد و تا وقتی چنین است، اتفاق مثبتی نخواهد افتاد.»

کارشناس‌ها چی می‌گن؟

به وظایف نظارتی است و وظایف نظارتی مجلس مدنظر است که از این به بعد حتما نظرات را افزایش می‌دهد و دستگاه‌های متولی حفظ منابع طبیعی باید مجبور کارآمد شوند، چرا که هرچقدر بودجه تعیین کرده و برای نیروی انسانی هزینه کنیم تا زمانی که اینها مجبور به فناوری روز نشوند، کافی نیست و انگار کاری نکرده‌ایم. این را مجلس به‌جهت بعد نظارتی می‌تواند وارد شود و این مساله را از دولت مطالبه خواهد کرد.»

رئیس فراکسیون محیط‌زیست مجلس شورای اسلامی خاطرنشان کرد: «بحث دیگر این است که باید عمده تمرکز که از دولت طلب می‌شود در بحث پیشگیری باشد و البته دفاع و حمایت از کسانی که در دل این بحران‌ها می‌روند و می‌خواهند کمک کنند. منظور نیروهای داوطلب و البته خود محیط‌بانان و جنگل‌بانان است. قانون و دولت باید از اینها حمایت حداکثری داشته باشند. در آتش‌سوزی‌هایی که در زاگرس و هیرکانی رخ داد، چند نفر جان خود را از دست دادند و نتوانستیم از آنها به‌خوبی حمایت کنیم. این نقص قانون را نشان می‌دهد، درحالی که قوانین باید از این افراد حمایت کافی داشته باشد. اینها مواردی است که پیگیری می‌کنیم و ان‌شاءالله به‌ثمر بنشانیم.»

رفیعی در پایان با انتقاد از رویه سازمان حفاظت از محیط‌زیست و موضع رئیس این سازمان در رابطه با آتش‌سوزی جنگل‌ها گفت: «در رابطه با نوع نگاه سازمان حفاظت از محیط‌زیست و واکنش رئیس این سازمان به ماجرای حریق جنگل‌ها من اصلا این امر را قبول ندارم، چون سازمان حفاظت محیط‌زیست سال‌ها دم از ارزش‌گذاری اقتصادی می‌زند و همچنان نتوانسته بگوید ارزش اقتصادی یک اکوسیستم طبیعی چقدر است. یعنی همواره شوق‌اف آن را داشته و نتوانسته این را محاسبه و احصا کند و فقط در حد مسائل تئوری باقی مانده است. درعمل محاسبه‌ای انجام نشده است. این یک ضعف است که بالاخره در برنامه‌ریزی‌ها، خصوصا برنامه‌ریزی‌های کلان، کشور را دچار مشکل می‌کند. این امر کلا متوجه سازمان محیط‌زیست است. مساله دیگر این است که سازمان محیط‌زیست به‌عنوان یک دستگاه کامیته نمی‌تواند بگوید اطفای حریق جنگل‌ها چقدر برای من توجیه اقتصادی دارد. وظیفه او حفاظت از منابع طبیعی است و باید بابت این هزینه کند. این مخالف فلسفه وجودی سازمان است که بگوید برای ما توجیه اقتصادی ندارد. این مساله به هیچ‌وجه پذیرفته‌شده نیست.»

کارشناس‌ها دیگه چی می‌گن؟

بعد از رفیعی با محمدرویش فعال و پژوهشگر محیط‌زیست به‌گفت‌وگو پرداختیم. درویش با انتقاد از وضعیت موجود آتش‌سوزی جنگل‌های ارزشمند کشور به «فرهیختگان» گفت: «آماری که سازمان جنگل‌ها هر سال از میزان آتش‌سوزی جنگل‌ها و مراتع اعلام می‌کند رقم هشت هزار هکتار تا ۴۰ هزار هکتار است که بستگی به این دارد که یک سالی ترسالی یا خشک‌سالی باشد. میزان آتش‌سوزی در ترسالی بیشتر می‌شود و تا ۴۰ هزار هکتار هم سازمان جنگل‌ها اعلام کرده است. امسال در مردادماه سازمان فضایی کشور که با استفاده از دوربین‌های ماهواره‌ای سطح جنگل‌های زاگرس را رصد می‌کرد، اعلام کرد این رقم تا اوایل تابستان به حدود ۴۰ هزار هکتار رسیده است و بعد از مراد هم آتش‌سوزی اتفاق افتاده است. بعد از این سازمان محیط‌زیست و منابع طبیعی این رقم را تکذیب کردند و گفتند حدود ۲۰-۱۵ هکتار سوخته و مساله خاصی نیست و سازمان فضایی هم بعد از این رقمی را اعلام نکرد و همانند ماجرای وقف قله دماوند خواستند دورهمی ماجرا را حل کنند و صدای این را در دنیا بوند، احتمالا اینجا هم خواستند دورهمی مساله را حل کنند و صدای این را در دنیا برونند. می‌دانیم که سازمان فضایی سنجنده دارد و مرتب رصد می‌کند و به‌دقتی می‌رسد. متأسفانه محیط‌زیست و منابع طبیعی واقعتا رابیان نمی‌کنند. طبیعی است قاعدتا امسال با توجه به میزان بارندگی‌ها و وسعت آتش‌سوزی‌ها رقم بالاتر از ۴۰ هزار هکتار بوده، ولی اینکه دقیقا چه میزان است من خبر ندارم و طبق معمول شفاف‌سازی هم از سوی مسئولان و متولیان نمی‌شود.»

درویش در پاسخ به این سوال که آیا این میزان زیاد از آتش‌سوزی در جنگل‌های کشور طبیعی است یا خیر و اینکه چه باید کرد که دیگر شاهد چنین مسائلی نباشیم، گفت: «برای اینکه آتش‌جنگل‌ها رهاگر کنیم نیاز به یگان اطفای حریق داریم. ولی با این حال چیزی به نام یگان اطفای حریق در شرح وظایف یگان جنگلداری و منابع آبخیزداری کشور و سازمان حفاظت محیط‌زیست تعریف نشده است. تلاش‌هایی انجام شد تا این یگان تعریف شود. آقای کلانتری گفت سرمایه‌گذاری برای اطفای حریق در جنگل‌ها توجیه اقتصادی ندارد، بنابراین اینها با بخشی از یگان حفاظت خود یعنی همان نیروهای نظامی که زیر نظر سرهنگ محبت‌خانی و سرهنگ حسین‌خانی در سازمان منابع طبیعی دارند، سعی می‌کنند با همین امکانات بدوی همچون دمنده و آتش‌کوب این آتش‌ها را خاموش کنند، ولی ماجرا این است که در همه کشورهای دنیا که جنگل دارند و جنگل آنها ارزشمند و راهبردی است، یک یگان حرفه‌ای مختص اطفای حریق در رویش‌های جنگلی وجود دارد. ما این یگان را نداریم و وقتی این را نداریم، بنابراین همان‌طور که آقای کلانتری گفت، دعا کنیم یک زمانی باد بیاید آلودگی از بین برود، یک زمانی دعا کنیم باران بیاید تا آتش خاموش شود. ما فقط می‌توانیم دعا کنیم و متأسفانه کار خاصی انجام نمی‌دهیم، درحالی که به‌راحتی می‌توان این یگان را مجهز کرد. اگر به‌خاطر تحریم‌ها نمی‌توانیم هویاها را اطفای حریق تهیه کنیم، البته بعید می‌دانم این مساله باشد، چون اتحادیه اروپا گفته بود تهیه هویاها را اطفای حریق از شمول تحریم‌ها خارج است، ولی درخواستی از

سوی ایران نشده است. مضاف بر این، ایران می‌تواند فانتوم جنگی بخرد و خیلی از چیزهای دیگر. پس سخت نخواهد بود هویایم اطفای حریق بسازد. چقدر در این ۴۰-۳۰ سال که همواره درگیر آتش‌سوزی بودیم، این امر محقق نشده است؟ یک‌سال می‌گویید اتفاقی پیش آمد و نمی‌دانستیم و برای آن فکر می‌کنیم، اما این امر قصه همیشه منابع طبیعی ما است. چرا برای این کاری انجام نمی‌شود؟ به‌نظر من دلیل این است که روسای محیط‌زیست و منابع طبیعی پیگیر این ماجرا نیستند و دغدغه‌های دیگری دارند.»

تعداد زیادی از هموطنان مان خصوصا در یکی دو سال اخیر به‌خاطر همین ماجرای آتش‌سوزی جنگل‌ها آن هم حین کمک‌رسانی داوطلبانه برای اطفای حریق جان‌شان را از دست دادند. اما حمایت خاصی گویا از خانواده اینها به‌عمل نیامده و تغییری هم در وضعیت مدل اطفای حریق ما بینیم. درویش در این رابطه خاطرنشان کرد: «در دوسال اخیر ۱۱ نفر از داوطلبان ما جان خود را از دست داده‌اند که این امر در دنیا بی‌سابقه است. چنین اتفاقی هیچ‌جای دنیا رخ نداده است و معمولا از نیروهای آتش‌نشانی، هلال‌احمر و صلیب‌سرخ تلفاتی گزارش می‌شود، ولی از نیروهای داوطلب به این شکل تلفاتی گزارش نمی‌شود. این کشته‌شده‌ها را شهید هم حساب نکردند. آقای محبت‌خانی بیان کرده بود این داوطلبان با ما هماهنگ نکردند، خودسرانه کار کردند و مستحق هستند این اتفاق برسر آنها بیاید. این صحبت‌ها باعث می‌شود همین تعداد نیروهای داوطلب مردمی هم به‌دین آتش‌سوزی جنگل‌ها به کمک نخواهند رفت. برای چه بروند؟ منتزلی به خانواده اینها می‌دهند؟ ارج و قربی برای اینها مشخص می‌کنند؟ متأسفانه ما هم در حوزه تلفات محیط‌بانان و جنگلبانان بالاترین رکورد داریم که بیش از ۱۴۰ شهید است. در حوزه داوطلبان هم بالاترین رکورد را داریم که با فاصله معنی‌دار از بقیه کشورها است.» این فعال و پژوهشگر محیط‌زیست به‌خطری که می‌تواند آتش‌سوزی‌ها در جنگل‌های هیرکانی برای ثبت این میراث طبیعی ملی ایجاد کند، اشاره کرد و گفت: «حتما این اتفاقات در ثبت در یونسکو اثرگذار است. من در جریان ثبت جنگل‌های هیرکانی در دولت احمدی‌نژاد بودم. روسای وقت سازمان جنگل‌ها و مراتع به‌شدت مخالف ثبت بودند و این‌گونه استدلال می‌کردند که اگر اینها ثبت شود دست و بال ما بسته می‌شود، اگر بخواهیم در جایی برداشت‌چوب داشته باشیم، تغییر کاربری بدهیم یا جاده‌ای بکشیم یا آتش‌سوزی اتفاق افتد و دیر اقدام کنیم، باید به یونسکو هم جواب بدهیم. برای چه برای خود دردسر درست کنیم. به‌هرحال وقتی دیدند آذربایجان این جنگل‌ها را به‌نام خود ثبت می‌کند، اینها مجبور شدند درخواست دادند تا جنگل‌های هیرکانی ثبت شود. آذربایجان به‌خاطر یک روستا که اسم آن هیرکانی است این را به‌نام خود ثبت می‌کرد. ایران درخواست داد و درنهایت به‌صورت مشترک ایران و آذربایجان این جنگل‌ها را ثبت کردند. کسانی که در سازمان جنگل‌ها هستند، همان‌اراده‌ای که الان طرح نقض جنگل را دور می‌زند، همان‌ها بدشان نمی‌آید این آذربایجان را هیرکانی ثبت آن در یونسکو بیرون بیاید تا برداشت‌چوب و تغییر کاربری راحت‌تری داشته باشند.»

